



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۵۴۳۹۲
نشانی اینترنتی: www.sharghn Newspaper.ir
سازمان آگاهی‌ها: ۲۴۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۸۸۴۴۱۳۸-۴۴
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا –
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶

زندگی نیازموده ارزش زیستن ندارد

دغدغه‌روشنفکری



دانشجویان علوم انسانی به دو چیز مربوط به فلسفه سخت نیازمندند، یکی فرآیند فلسفه‌ورزی یا فلسفیدن و دیگری فرآورده آن فرآیند که از آن تغییر به فلسفه می‌کنیم.بنابراین تعبیر فلسفه‌خوانی عنوان مناسبی نیست، چرا که خواندن کتاب‌های فلسفه به معنای فلسفیدن و فلسفه نیست. وقتی علوم انسانی را برمی‌شمرند، می‌گویند فلسفه یکی از علوم انسانی و بلکه مهم‌ترین علم انسانی است. بنده معتقدم خود این دعوی، دعوی کاملاً باطل و نادرستی است. فلسفه در بسیاری از شاخه‌های خودش جزء علوم انسانی است اما در پارهای از شاخه‌ها جزء علوم انسانی نیست. شاخه‌های مختلف فلسفه را می‌توان به سه دسته بزرگ تقسیم کرد که عبارتند از: فلسفه مابعدالطبیعه، فلسفه منطق و فلسفه علوم با نظری به معرفت یا معرفت‌شناسی. باید توجه داشت که ما در هر یک از دو دایره بزرگ‌تر دوم یا سوم قرار داشته باشیم باید در قبال این سه شاخه اصلی موضعی اتخاذ کنیم. در بخش دایره دوم که به زعم من کم‌اهمیت‌تر از هسته مرکزی است، شاخه‌های فلسفه به اعتبار قلمروها و ساحت‌های مختلف فلسفه تقسیم می‌شوند، مثل فلسفه طبیعت، فلسفه‌انسان و… که هر یک نیز زیرشاخه‌هایی دارند. به عنوان مثال فلسفه‌های مختلف ناظر به انسان به اعتبار ساحت‌های مختلف انسان به بخش‌های مختلفی همچون فلسفه بدن، فلسفه زبان، فلسفه ذهن و فلسفه عمل تقسیم می‌شوند. برخی از شاخه‌های فلسفه‌های مختلف ناظر به انسان در این بخش به اعتبار ساحت‌های مختلف انسان تقسیم نمی‌شوند بلکه ناظر به فرآورده‌های انسان هستند مثل فلسفه اجتماع. هر چند خود فلسفه اجتماع نیز زیرمجموعه‌ای دارد. ما در اجتماع نهاد‌هایی چون خانواده، تعلیم و تربیت، اقتصاد و در نتیجه فلسفه‌های چون فلسفه خانواده، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه اقتصاد، نیز وجود دارند.بشر فرآورده‌های دیگری نیز مانند فن، هنر و عرفان دارد و در نتیجه می‌توان گفت فلسفه‌هایی چون فلسفه تکنولوژی، فلسفه هنر و فلسفه عرفان نیز داریم. ما در بخش اول به علوم مشترک هستی و در بخش دوم به ساحت‌های مختلف هستی می‌پردازیم اما در بخش سوم شاخه‌های مختلف معرفت مدنظر قرار می‌گیرند. در اینجااست که ما فلسفه‌های داریم که ناظر به رشته‌های علمی‌اند، مثل فلسفه ریاضی، فلسفه علوم تجربی، فلسفه علوم تاریخی و… بنابراین در این بخش برای هر رشته علمی، فلسفه‌هایی ناظر به آن رشته‌های علمی وجود دارد. بخشی از علوم، فلسفه است و بنابراین ما «فلسفه فلسفه» هم داریم که در واقع با کانت آغاز شده است. اما خود این فلسفه‌ها هم می‌توانند زیرشاخه‌هایی داشته باشند. به عنوان مثال فلسفه علوم تجربی خود به دو دسته فلسفه علوم تجربی طبیعی و فلسفه علوم تجربی انسانی تقسیم می‌شوند. پدیده‌های در زندگی بشر وجود دارند به نام پدیده اقتصاد، سیاست، حکومت، اجتماع و تعلیم و تربیت. اگر درباره خود این پدیده‌ها بحث فلسفی کنیم در دایره دوم خواهیم بود و اگر فلسفه ما درباره علم اقتصاد، علم سیاست، علوم اجتماعی و علوم تربیتی باشد، در دایره سوم قرار خواهیم داشت. بنابراین هر قدر از دایره کوچک‌تر به سمت دایره بزرگ‌تر حرکت کنیم، نمی‌توانیم اتخاذ موضع کنیم مگر آنکه در قبال مسائلی که در دایره کوچک وجود دارند، اتخاذ موضع کرده باشیم. آیا دانشجویان علوم انسانی به فلسفه نیاز دارند یا نه؟ دانشجویان علوم انسانی به هر سه بحث اصلی در دایره مرکزی یعنی مباحث مربوط به مابعدالطبیعه، معرفت‌شناسی و منطق احتیاج دارند اما در دایره دوم که فلسفه به ساحت‌های مختلف هستی می‌پردازد، دانشجوی علوم انسانی از آن رو که دانشجوی علوم انسانی است، ضرورتاً نیازمند این شاخه‌ها نیست. دانشجویان علوم انسانی به آن شاخه‌هایی از فلسفه در دایره دوم نیازمندند که به انسان می‌پردازند. بنابراین بسته به اینکه دانشجوی علوم انسانی کدام یک از علوم انسانی را می‌خواند به این بخش مرتبط با کار خود نیازمند است. در دایره سوم، فلسفه‌ها یا فلسفه ریاضی‌اند یا فلسفه علوم تجربی، دانشجویان علوم انسانی به فلسفه ریاضی و فلسفه علوم تجربی طبیعی نیازمند نیستند اما به این بخش از فلسفه‌های علوم تجربی انسانی که مرتبط با کار آنهاست، نیاز دارند. فرآیند فلسفه‌ورزی، فرآیندی نادر است. اغلب اساتید فلسفه در عمر خودشان تلفظفیدند، در حالی که این امر برای کسانی که در علوم انسانی کار می‌کنند، بسیار واجب است. چهار نکته مهم در فرآیند فلسفیدن وجود دارد: نخستین نکته در اینجااین است که فرآیند فلسفی با حیرت و سوال آغاز می‌شود. فلسفیدن مختص کسانی است که حیرت و سرگشتگی دارند و چشم ذهن‌شان قرار پیدا نکرده است. دومین نکته در فرآیند فلسفیدن نیز این است که در این فرآیند تعیین‌کننده حق و باطل، فقط عقل است و نه هیچ چیز دیگر. سومین نکته در اینجااین است که ما در فلسفیدن نباید پرورنده هیچ امری را مخرومه اعلام کنیم. اگر در فلسفه این امکان وجود داشت که پرورنده امور مخرومه شود. خلیقات فیلسوف‌ها به عنوان چهارمین جهت در فرآیند فلسفه‌های خود، به سه نکته باقی، سه امر ذهنی بودند اما ویژگی‌های خلقی فلسفیدن در واقع آن چیزهایی هستند که ارسطو از آنها به نام فضایل خلقی یاد کرده است. در این رابطه شش فضیلت هم وجود دارد: خودشیفته نبودن، ندانستن پیش‌دادها و دوری از جزم و جمود از جمله خلیقات فیلسوفانند. تعصب به عنوان ویژگی چهارم خلیقات فیلسوفانه، متفاوت از جزم و جمود است. در تعصب، ما به یک عقیده دلبستگی پیدا می‌کنیم و پس از آن دیگر به شواهد و قرائن مربوط به آن امر توجه نمی‌کنیم که این امر با فرآیند فلسفیدن منافات دارد. ویژگی دیگر این است که ما باید با هر گونه بی‌مدلاری و بی‌تحلیلی نسبت به عقاید مخالف ناسازگار باشیم. ششمین ویژگی نیز دوری از خرافات‌پرستی است یعنی هر سخن نامدلی را قبول کردن. به قول سقراط «زندگی نیازموده، ارزش زیستن ندارد». بنابراین ما تا زمانی که عقاید و زندگی خود را نیازموده‌ایم، در فرآیند فلسفیدن قرار نگرفته‌ایم.

گردون: در حاشیه برنامه «دیدار دوست» انجمن شاعران ایران در ستایش یک قصیده‌سرای امروزی

این روزها انجمن شاعران ایران برنامه‌هایی را تعریف کرده است که یک به یک خبر آنها منتشر می‌شود. یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های این روزها برنامه‌ای با عنوان «دیدار دوست» است؛ سلسله‌بزرگداشت‌هایی که طی آن از مقام شاعران پیشکسوت ونای ایران تجلیل می‌شودچندی پیش در سلسله‌برنامه‌های «دیدار دوست» تجلیلی از استاد بزرگوار دکتر مظاهر مصفا شد. مظاهر مصفا یکی از معدود شاعران کلاسیک این روزهاست که نامش با سنت قصیده‌سرایی گره خورده است؛ مردی که باید او را یگانه قصیده‌سرای این عصر دانست که بسیاری از شاعران جوان با خواندن قصیده‌هایش سر شوق می‌آیند، استاد مصفا قصیده‌ای دارد که به نظم سال‌های سال است که قصیده‌ای با این حال و هوا نداشته‌ایم: «مردی ز شهر هرگز از روزگار هیچ، جان از نجات هرگز، تن از تیار هیچ». قصیده «هیچ» او یکی از بهترین نمونه‌های شعر معاصر از قصیده‌های که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب «چشمه روشن» به آن پرداخته و این قصیده به زبان عربی هم از سبوی دکتر صلاح الصاوی ترجمه شده است. مظاهر مصفا به زعم بسیاری از شاعران امروزی (حال از هر نسلی) یکی از شاخص‌ترین چهره‌های مسلم شعر و ادب فارسی است.

گزارش آخر: سیاستمداران زن به روایت کارگردانان سینما همه چیز درباره این سه زن

سه زن سیاستمدار این روزها خبرسازترین‌های عالم سینما هستند. یکی ناکام و به کام مرگ فرورفته، دیگری در بند و حصر و سبوسی در حال سپری کردن روزهای

آرام و بی‌دغدغه‌بازنشستگی «لوک بسون» کارگردان صاحب‌نام فرانسوی ظہیر پنجشنبه خبر داده‌است به زودی ساخت فیلمی در اسل‌س زندگی «انگ سان‌سوکی» برنده جایزه صلح نوبل ۲۰۱۰ در کلد خواهد زد. در آن سو بازی مریل استرپ در نقش مارگارت تاچر بلوی آهنین چیزی نیست که انگلیسی‌ها به این آسانی زیر بارش بروند و همچنان حاشیه‌های این فیلم به کارگردانی فیلیادنا لویده هر روز بیشتر می‌شود.از اوایل این هفته هم مستندی عجیب و شگفت‌انگیز درباره زندگی «بی نظیر بوتو» در سینماهای آمریکا و اروپا به روی پرده می‌رود.

■ **ناوی صلح به روایت لوک بسون**

لوک بسون کارگردان فرانسوی از بهار سال ۲۰۱۱ ساخت فیلمی درباره زندگی انگ سان‌سوک‌ی را کلد خواهد زد. این فیلم «به سوی نور» نام دارد و قرار است «میشل یائو» بازیگر چینی نقش برنده جایزه صلح نوبل را بازی کند. عصر پنجشنبه میشل یائو با انگ سان‌سوک‌ی دیدار کرد و از توافق ضمنی بلوی صلح برای بازی در نقش او، و اینکه می‌تواند صدای او را به گوش دنیا برساند، خوشحال است. لوک بسون به زودی ساخت این فیلم را در تایلاند آغاز خواهد کرد. لوک بسون در جریان جشنواره فیلم شانگهای به ختایه که سوکی ۲۱ سال در آن حبس بود، رفت تا بتواند این خاتنه را در فیلم بازسازی کند. سان‌سوک‌ی بخشی از دوره جوانی خود را در هند گذراند، زیرا مادر او سفیر برمه در این کشور بود. بعدها در آکسفورد، انگلستان در فلسفه، سیاست و اقتصاد تحصیل کرد. سان‌سوک‌ی در سال ۱۹۸۸ به برمه بازگشت. آن سال در ناظلمات گسترده دانشجویی علیه رژیم برمه همراه بود. سان‌سوک‌ی در آگوست همان سال برای نخستین بار در برابر معترضان سخنرانی گیرایی کرد و به سرعت به نماد مقاومت در برمه تبدیل شد. در پی آن کودتایی در برمه رخ داد. در واقع این بخش بخشی است که داستان فیلم بسون از آنجا آغاز خواهد شد.

■ **زندگی بوتو سیاستمدار بی نظیر**

فیلم «بوتو» از این هفته در سینماهای لس‌آنجلس و نیویورک به روی پرده می‌رود. در واقع این فیلم به بررسی زندگی پرماجرا و تراژیک این خانواده می‌پردازد. به گفته «طارق علی» فیلم‌منویس «بوتو» این فیلم «داستانی است که از تمام عوامل یک تراژدی یونانی برخوردار است» مستند «بوتو» در یک

باز تاب: در حاشیه یادداشت‌های شمس برکه دربارہ ستون و اما بعد هفته گذشته

آن صامت است، این کسر هدار

رسول اسلامی

نوشته‌ای نویسنده معاصر جعفر مدرس صادقی را از آغاز خواندم. آگاهی‌ها گسترده در گفتار و نوشتار و دید روشن به تاریخچه زبان و نوشتن فارسی در این نوشته‌ها دیده می‌شود. من هم به مثابه یک خواننده درباره این نوشته‌ها پرسش‌هایی دارم که شاید وقتی دیگر بتوانم به میان آورم. آنچه در پی می‌آید آن است که با خواندن نوشته علی شمس‌بره‌ان در روزنامه «شرق» دوشنبه ۱۵ آذر به نظر من رسیده است، در صفحه آخر روزنامه علی شمس‌بره‌ان درج شده‌است که دیدگاه نویسنده زبردست، مدرس صادقی را نقد کرده است. مدرس صادقی بر آن است که «هر قومی حق دارد واژه‌هایی از زبان‌های دیگر را در زبان خودش به کار گیرد و از این راه به غنا بخشد» و دگرگون‌سازی و به‌رور کردن زبان خود روی آورد. به کارگیری واژه‌های زبان‌های دیگر در یک زبان می‌تواند دگرگونی‌هایی را برای همسو شدن با زبان میزبان پذیرد. این دگرگونی‌ها در راستا هماهنگ‌سازی واژه‌های میزبان با شیوه‌های گفتار و نوشتار در زبان میزبان انجام می‌گیرد. «مدرس صادقی برای روشن ساختن دیدگاه خود در این باره نمونه‌هایی را بیاين می‌کند: «در زبان گفتار فارسی، تلفظ دو صامت متوالی در ابتدای یک کلمه امکان‌پذیر نیست به همین دلیل «smith» را «سمیت» تلفظ می‌کنیم و «سمیت» می‌نویسیم و «class» را کلاس می‌نویسیم و به



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۴۴ ■ شماره ۲۱۰ دوره جدید ■ یکشنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۹ ■ ۶ محرم ۱۴۲۲ ■ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۰

آخر

آخرین پیشنهاد: نمایشگاه گالری «شیرین»، نمایشگاه عکس «بامداد»

جشن تولد یک گالری

علیرضا سمیع آذر



۲۶ گالری مطرح تهران هر کدام با ارائه یک اثر به گالری «شیرین» به مناسبت پنجمین سالگرد تاسیس این گالری نمایشگاهی برگزار کردند. جمعه‌شب در مراسم افتتاحیه این نمایشگاه حضور یافتم و از دیدن آثاری که به گالری شیرین ارائه شده بود لذت بردم. در این نمایشگاه هم می‌توانید آثار هنرمندان صاحب‌نام مثل ابوالقاسم سعیدی، پرویز کلاتری، یعقوب عامه‌پنج و … را ببینید و هم می‌توانید سراغ آثار هنرمندان نسل جوان بروید.

این نمایشگاه از دو جهت مرا شگفت‌زده کرد؛ اول جمعیت انبوهی که برای دیدن آثار ارائه‌شده حضور یافته بودند و دوم مشارکت گالری‌های مختلف از موضع گرمیاداشت یک گالری دیگر؛ اتفاقی که در این سال‌ها کمتر به وقوع پیوسته است. ابین افتتاح این نمایشگاه با گرمیاداشت یاد و خاطره محمود جواد‌ی‌پور که از اساتید هنر نوگرای ایران است همراه بود و هم من و هم آیدین آغداشلو درباره این استاد گرانقدر که خودش نیز در مراسم حضور داشت، صحبت کردیم. آیدین آغداشلو

در مراسم حضور داشت، صحبت کردیم. آیدین آغداشلو

زاویه دید: نگاهی به «کتاب آه» تألیف یاسین حجازی

خوانش یک باز خوانی

حسین مهکام



در میان رخدادهای ایلی قرون گذشته زبان فارسی، یکی هم مقلت نویسی است. گونه‌ای نگارش که هم‌زمان انتکای توامان بر ادبیات و تاریخ دارد. یعنی هر کدام از این دو مولفه اگر از این گونه ادبی حذف شود یا کمتر مورد عنایت قرار گیرد، در چکیدگی و سره بودن آن نثر می‌توان دچار تردید شد. اینکه مقلت نویسی از چه زمانی به طور دقیق مورد توجه ادیبان قرار گرفت، بحثی است که در این مجال نمی‌آید، اما به پنهان این ایام داشتم دنبال کتابی می‌گشتم که هم ادبیت ادبیات را لحاظ کرده باشد و هم مذاق تاریخ را. یادم افتاد به کتابی که دوست نویسنده‌ام یاسین حجازی دو سال پیش منتشر کرد به نام «کتاب آه». این کتاب سواى شکل و شمایل زبایی که در گرافیک جلد و قطع کتاب دارد، به لحاظ محتوایی بازخوانی یکی از متون قدیمی مقلت عاشورااست. بنای بررسی قدمت کتاب اصلی را ندارم. تنها دلم می‌خواهد به این نکته اشاره کنم که یاسین حجازی با انتشار این کتاب اتفاق نوینی را رقم زده است. امری که در حال تداوم توسط خود اوست و با موضوعی دیگر به زودی منتشر خواهد شد و آن اینکه کتاب ابتدا برای اشخاص یا طیف خاصی در فضای مذهبی تعبیه نشده است بلکه به شدت رفتاری فرامذهبی یا فراقومی با زانری

و اما بعد.... اندر آداب نوشتار

بدیهیات

جعفر مدرس صادقی



هفته ی‌پیش، سخن کشید به این که در زبان فارسی تلفظ دو صامت متوالی در ابتدای یک کلمه امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل است که کلمه‌های بیگانه‌ی متداول در زبان فارسی مانند «کلاس»، «بُرس» و «کِراس» و «بُرس» که صمّه اضافه می‌کنیم و به دال «درام» و کاف «کِراس» هم یک کسره اضافه می‌کنیم و هیچ اصراری هم به تلفظ دقیق اصلی نداریم. و این اتفاقی است که در همه ی زبان‌ها می‌افتد: هر زبانی کلمه‌های بیگانه‌ای را که پذیرفته است به همان صورتی درمی‌آورد که در درون ساختار خودش جا می‌افتد و با شیوه ی بیان آن زبان سازگاری هر چه بیشتری دارد. جناب آقای علی شمس‌بره‌ان در یادداشت‌های خود، دوشنبه ی هفته ی پیش (۱۵ آذر ۱۳۸۹) در همین صفحه به چاپ رسید، نوشتند: «کلمات فارسی زیادی داریم که در حرف اول آنها بی‌صداست، اما درست تلفظ می‌شوند…» و از این حکم به این نتیجه رسیدند که پس ما می‌توانیم کلمه‌های بیگانه‌ای را هم که با حرف بی‌صا شروع می‌شوند «درست»، یعنی عین خود اصل، تلفظ کنیم و بنا بر این «اسمیت» را باید با «س» و «م» ساکن ادا کنیم و بگوییم «سمیت» و نه «اسمیت» و «استاندارد» و «استرس» غلط است و باید بگوییم «سئاندارد» و «سترس» و اما ببینیم منظور ایشان از تلفظ «درست» چیست. مثال‌هایی که از زبان فارسی زده‌اند از این قرار است: «ستبر»، «ستِرج»، «سِگرمه» و «سترون»، و تلفظ این‌چهار کلمه را برانترز به این صورت نقل کرده‌اند: starb, storg, sgarimh و starvan و این همه می‌دانند و نازی‌ی به هیچ توضیحی نیست که هیچ فارسی‌زبانی این چهار کلمه را به این صورت تلفظ نمی‌کند. (و کاری هم به تلفظ پهلوی «ستبر» و «ستِرج» نداریم – که در بحث ما نمی‌گنجد.) این مثال‌هایی که ایشان زده‌اند بار دیگر این نکته ی بدیهی‌ر به ابثبات می‌رساند که تلفظ دو صامت متوالی در ابتدای یک کلمه ی فارسی



کمال تبریزی نماینده کانون کارگردانان در مجمع عمومی خانه سینما

کارگردان فیلم‌های «مارمولک» و «فرش باد» در مقطعی که کانون کارگردانان در بیانیه‌ای از حضور در مجمع خانه سینما کناره‌گیری کرده بود، به عنوان نماینده این صنف معرفی شد. به گزارش خبرنگاران، شورای مرکزی کانون کارگردانان سینمای ایران جلسه‌ای تشکیل داد تا تصمیم‌گیری نهایی در مورد مجمع عمومی خانه سینما صورت گیرد و در نتیجه این جلسه کمال تبریزی به عنوان نماینده کانون در مجمع و احتمالاً نامزد این صنف در انتخابات معرفی شد. کانون کارگردانان سینمای ایران روز پنجشنبه ۱۸ آذرماه در بیانیه‌ای اعلام کرده بود بنا به برخی دلایل امسال در مجمع عمومی خانه سینما حضور نخواهد داشت. تهران : اذان ظهر ۱۱:۵۸ مغرب ۱۷:۱۲ اذان صبح فردا ۵:۳۵ طلوع آفتاب ۷:۰۵

این یک چقی نیست

کرگدن از حمام که درآمد، حوله را که پیچید دور خودش، احساس کرد پوستش می‌سوزد. توی آینه به سختی توانست پوست کمزش را ببیند که سرخ شده بود و وانه‌های قرمز زده بود. زیر دوش، لیف هم که داشت می‌زد، متوجه این سوزش و خارش شده بود. اعتنا نکرده بود، اما حالا تصویری می‌دید که نمی‌توانست اعتنا نکند. از پوست کلفتی چون او بعید بود که وسط پاییز کپهر بزند و پوستش ناسور شود. عجلاناً یک لباس نخی گشاد پوشید و پیشش خودش گفت «اگر تا فردا خوب نشدم، می‌روم خودم را به دامپزشک نشان می‌دهم» با لباس نخی سفید خودش را توی آینه بیشتر رواندار کرد. سر شاخ کوچکش را که پوست پوست شده بود با گلیسرین چرب کرد. شاخ بزرگش را هم خوب واریس کرد. از هر نظر بی‌عیب بود. از ذهنش گذشت «چه دسته چقی بشود این»، و بعد همچنان که عین یک طراح، دو تا دور شاخش را دست کشید، به فرانسه گفت «ceci nest pas une pipe» تا سر شاخش را دست کرگدن مجبور بود توی این هوای آلوده بیرون برود. همیشه سال خانه‌نشین است، اما همین چند روزه که گفته‌اند اطفال و پیرها و بیماران قلبی از خانه بیرون نایند، هزارتا کار برایش پیش آمده که باید بیرون بزند و اتوبوس شهر را بالا و پایین کند. محض احتیاط خواست ماسک به دماغ و دهنش بزند، اما این ماسک‌ها را برای هر حیوانی ساخته بودند، مطلقاً برای کرگدن ساخته بودند. یا به شاخ بزرگه گیر می‌کرد و پاره می‌شد، یا کشش تا رسیدن به پشت گوش پاره می‌شد. بی خیال ماسک شد و کیشش را روی کولش انداخت و رفت دنبال کارش.

توی اتوبوس شلوع بود. راننده و کمکی‌اش هی داد می‌زدند که «بروید داخل» و کسی نمی‌رفت. هر کس که دستش به این جای میله بند شده بود، رهایش نمی‌کرد. دم ایستگاه همه دوم، دو سه نفری می‌خواستند پیاده شوند، اما کسی را به پنهان نداد. مجبور شدند تا پله اول بایند. کرگدن هم هی خودش را جمع می‌کرد که درشتی‌اش توی چشم نیاید و کسی متکی، چیزی نگوید. هم راننده، هم کمکش و هم چندتا از مسافرن چپ چپ نگاهش کردند، اما همان اول کاری به جای صد تومن، دویست تومن داد و چپید توی اتوبوس. کیشش که می‌خورد به پشتش، کپهرش عود می‌کرد و کلافه‌اش می‌کرد. یک جایی خوانده بود که نباید به درها و سوزش‌های کپهری فکر کرد. فکر کردن، درد و سوزش را تشدید می‌کند. با این حال تکت تکت مسافران طوری جلو و عقب رفتند که در تمام مسیر، یک ثانیه هم نتوانست بهیش فکر نکند، از بس که خودشان را به پوست ناسور پشتش مایلند… به هر میصیتی بود، پیاده شد. تقصیر او نبود، اتوبوس زیادی شلوع بود و او بی‌قصد و غرض، یای یکی دو نفر را لگد کرده بود که پک پکت بهیش کوچک. شاید مال همین ترک سیگار باشد که همه مریض‌ها دارند بیرون می‌ریزند. شنیده بود که ترک عادت موجب مرض است و بیشتر سکنه‌ها به سرطان‌ها و حتی است که سیگار را کنار می‌گذارن. آرام به راه افتاد و توی فکرهای هشت‌من یک غماز فرو رفت. اما متوری از پشت سر بوقی زد و گازی داد که کرگدن یک متر از جا پرید. موتور آدم خوش‌ذوقی بود که روی موتورش بوق بزنی گذاشته بود. خوش‌ذوق‌اش را با یک جمله که سریع گفت و دور شد، تکمیل کرد: «بیاداره که جای حیوان نیست، اوژن نوشد»، ای لعنت بر این اوژن یونسکو که مردم با دیدن قهرمان قصه ما یاد هیچ کس دیگری جز او نمی‌افتند. از ذهنش گذشت که نویسنده‌ای از یونسکو، عامی‌تر و هی‌ترتر وجود ندارد… کار خیابان یکی دامنست سمسوسه می‌فروخت و داد می‌زد «گرم و تازه»، کرگدن یکی خرید و خورد، چهارتا هم خرید و برد. داشت می‌رفت «انجمن حیوانات مقیم مرکز»، پیش خودش گفت «دست خالی نرم بهتر است». پس برگشت و چهارتا دیگر هم خرید و برد. با این سمسوسه‌ها لالاق از شر دواک‌ها سر ظهر جلست کاری نجات پیدا می‌کرد. از ذهنش گذشت که بدتر از چلوکباب، جوجه‌کباب است با برنج…

دکه



شصت و چهارمین شماره دوماهنامه چشم‌انداز ایران (آبان و آذر) منتشر شد. ترتیب اصلی که روی جلد این شماره آمده، عنوان «روستائیسیم و فهم شریعتی از آن» دارد. این عنوان گفت‌وگوی ششمین شماره و تقی رحمانی است. از دیگر مطالب این شماره می‌توان به گفت‌وگو با عبدالله اسفندیاری درباره فراز و نشیب‌های خانه سینما و «آموزش و پرورش ما: از آرزو تا عمل» که گفت‌وگویی است با شریازاد عبدللهی کارشناس حوزه آموزش اشاره کرد. همچنین در این شماره گفت‌وگویی با لطف‌الله میمنی می‌خوانیم با موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها. نگاهی کوتاه به اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در سال‌های ۷۵ تا ۸۸ تاثیر نخت بر جایگاه دموکراسی در ایران و درمسرهای اشغال افغانستان، از دیگر مطالب این شماره از چشم‌انداز است. از جمله مطالب مهم این مجله، یادیه به سندی درباره واقعه ۱۶ آذر ۱۳۲۲ اشاره کرد که برای نخستین بار در چشم‌انداز منتشر شده است. این سند در واقع خاطرات دکتر رحیم عبدلی معاون ریاست وقت دانشکده فنی دانشگاه تهران از وقایع آن روز است. شماره جدید نشریه چشم‌انداز، در ۱۶ فروردین ۱۳۸۰ نومان در دسترس علاقمندان قرار گرفته است.